

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۶

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال هفدهم، شماره ۶۸، تابستان ۱۴۰۰

[DOR:20.1001.1.2008.0514.1400.17.68.122](https://doi.org/10.1.1.2008.0514.1400.17.68.122)

مقاله پژوهشی

تأثیر معنویت و عرفان در اقتصاد شیعیان عراق در نیمه اول قرن سوم هجری

فاطمه اخروی^۱

شهربانو دلبری^۲

طاهره عظیم زاده^۳

چکیده :

وضعیت اقتصادی شیعیان در دوران ائمه با وجود زمین‌های زراعی ینبع که در دست آن‌ها وجود داشت و پر آب بودن دو رود دجله و فرات برای کشاورزان در عراق و مالیات‌هایی شامل خمس، زکات و غیره را که مسلمانان پرداخت می‌کردند، قابل اهمیت و بررسی است. همچنین واقفان نیز با انگیزه‌های معنوی، الهی و عرفانی مانند مقابله با مسائل نفسانی، طی کردن مراتب روحانی، خدمت به خلق خدا صرفاً برای قرب الهی به وقف می‌پرداختند که در امر اقتصادی تأثیرگذار بود. نویسنده در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است به ارزیابی عوامل موثر بر اقتصاد شیعیان در عراق پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که بی شک تشکیل حکومت الهی که انسان را به تمام اهداف مورد نظر برساند، فقط از طریق پیشوایان معصوم امکان پذیر است، زیرا حکومت‌های انسانی، همیشه در مسیر منافع مادی افراد یا گروه‌های خاص سیر کرده‌اند. لذا حکومت اسلامی از مهمترین مسائلی است که مسلمانان با آن سر و کار دارند و قسمتی از پایه‌های این حکومت بر مسائل اقتصادی نهاده شده است. چرا که نخستین شرط استقلال یک تشکیلات، استقلال اقتصادی است و این مطلب از طریق «زکات»، «خمس»، «انفال»، «خراج» در جهان تشیع به خوبی پیاده شده است.

کلیدواژه‌ها:

تکاپوهای مالی، عرفان، اقتصاد، عراق، شیعیان.

۱- دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲- استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. نویسنده مسئول:

tarikh_2003@yahoo.com

۳- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

پیشگفتار

وضع اقتصادی شیعیان عراق در طی اوایل قرن سوم هجری همچون سایر ابعاد زندگی آنان به درستی معلوم نیست. بنابراین باید ناچار به اطلاعاتی که در سایر ابواب مانند فقه و رجال مطرح شده، اتکا کرد و همراه با قرائن و شواهد دیگر تحلیل کرد. فشارهای گسترده در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره بر امامان معصوم و شیعیان گویای این حقیقت است که آنان به منظور مصون ماندن از گزند حکام عباسی ناگزیر بودند تقیه کنند و از بی‌احتیاطی بپرهیزند.

در اوایل قرن سوم هجری امام جواد(ع) امامت ایشان آغاز گشته است. با بررسی و مطالعه کتاب‌ها و منابع تاریخی می‌توان دریافت که پیشوای نهم امام جواد(ع) در دوران امامت خود، با دو خلیفه عباسی، مأمون (۲۱۸-۱۹۸ هـ) و معتصم (۲۲۷-۲۱۸ هـ) معاصر بوده‌اند و در پرتو لطف و عنایت خاص که از طرف خداوند به ایشان داده شده است در سنین کودکی با تمام دشواری‌هایی که در جامعه آن روز با آن مواجه بودند، در مقام پیشوا و در راستای هدایت جامعه در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و غیره به ایفای مسئولیت و نقش خویش پرداختند. (طبری، ۱۳۶۲، ج ۸: ۵۵۵) از زمان امام صادق(ع) ائمه از شیعیان خود وجوه شرعی و هدایای مالی را می‌پذیرفتند. (قطب راوندی، ج ۲: ۷۷۷) امامان در این عصر با توجه به مقتضیات دوران خود نظامی را ایجاد کردند که بتوانند با وکلای خود در نقاط دور اسلام در ارتباط باشند. از آنجایی که عباسیان امامان را تحت کنترل داشتند، از ارتباط با یارانشان ممانعت می‌کردند. تشکیل پایه‌های نظام وکالت که از زمان امام صادق(ع) آغاز گردید، تا دوران غیبت به انسجام رسید و رسماً از زمان امام کاظم(ع) بنیان گذاشته شد. (جاسم حسین، ۱۳۷۷: ۱۳۴) وکلای امام رضا(ع) نیز پس از امتحان حضرت جواد(ع) در موسم حج و پی بردن به حقانیت آن حضرت، فعالیت خویش را ادامه دادند. (کشی، ۱۴۳۰: ۴۹۱-۴۹۳) شیعیان امامی در اوایل قرن سوم هجری که در سراسر بلاد اسلامی پراکنده بودند که برخی از آن‌ها عبارت از علی بن مهزیار دراهواز (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۳) ابراهیم بن محمد همدانی در همدان، (کشی، ۶۱۱-۶۱۲) یحیی بن ابی‌عمران در ری، (قطب راوندی، ج ۲: ۶۶۹) یونس بن عبدالرحمان و ابو عمر و حذاء در بصره، (کشی، ۴۸۷) علی بن اسباط در مصر، صفوان بن یحیی در کوفه، صالح بن محمد بن سهل و زکریا بن آدم در قم بودند. (همان، ۵۰۸) امام جواد(ع) علاوه بر وکلای ثابت و مقیم، گاه نمایندگان ویژه به شهرهای مختلف می‌فرستادند تا مبالغی را که توسط شیعیان به نزد وکلای مقیم پرداخت شده بود، را

جمع‌آوری کنند (همان، ۵۹۶) هدف اصلی این سازمان جمع‌آوری خمس، زکات، نذورات و هدایا از مناطق مختلف توسط وکلا و تحویل آن به امامان بود. این موارد ذکر شده از تکاپوهای اقتصادی و مالی شیعیان در اوایل قرن سوم هجری به شمار می‌رود.

همچنین در این دوران واقفان نیز با انگیزه‌های الهی و عرفانی که داشتند و بی‌توجهی به مسائل دنیوی و کنار گذاشتن هواهای نفسانی، پرهیزگاری، عدم کامجویی از بهره‌های دنیوی، لذت‌های آن و توجه به معنای هستی و ارتقاء درجات روحانی به وقف می‌پرداختند که در امر اقتصادی تأثیرگذار بود. همچنین اصطلاح عارف نیز که در قرن سوم هجری معمول بوده، چنان‌که بایزید بسطامی به جای صوفی، «عارف» به کار برده و گفته است: «کمال عارف سوختن او باشد در دوستی حق» و نیز گفته است: «کمترین چیزی که عارف را واجب آمد، آن است که از مال و ملک تبراً کند...» (عطاری، ۱۳۶۶: ۱۹۲).

توجه به مسایل روز جامعه، تکاپوهای اقتصادی شیعیان در دوران‌های مختلف از جمله زمان ائمه اهمیت فراوانی دارد. لذا این پژوهش با هدف بررسی توسعه اقتصادی و تجاری در عراق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفت. سوال این است که چه عواملی بر ایجاد و توسعه اقتصادی شیعیان در عراق کمک کرد؟ دیگر این که چه دستاوردهایی برای آن‌ها داشت؟ فرضیه‌های تحقیق به این شرح است: (۱) به نظر می‌رسد که تقویت زمین‌های کشاورزی و دو رود دجله و فرات، به توسعه کشاورزی در عراق انجامید. (۲) شیعیان به خاطر اهمیت مسأله وقف، معنویات و عرفان نقش محوری را در موقوفات ایفا کردند. (۳) شیعیان نقش محوری در مبادلات کالاها ایفا کردند و موجب رونق تجارت عراق شدند.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت اندیشمندان زیادی در زمینه ابعاد اقتصادی عراق سخن گفته‌اند، چنانکه علوانی در کتاب *الفکر الإقتصادي الإسلامي*، عبدالرزاق سعد در *العامه فی بغداد فی القرنین الثالث و الرابع الهجریین*، الدوری در *تاریخ العراق فی القرن الهجری*، الکببسی در *فی الفکر الاقتصادي الاسلامی و خیرالشعال در أسواقنا التجاریه* اشاراتی داشته‌اند، لکن در خصوص عوامل موثر بر اقتصاد شیعیان در عراق طی اوایل قرن سوم هجری تاکنون تحقیق جامعی صورت نگرفته است که این پژوهش در جهت نیل به هدف مزبور صورت گرفت.

اهمیت و کاربرد این پژوهش از دو جنبه شناختی و کاربردی است. ملت‌های مسلمان باید قدر جایگاه ژئوپلیتیک منطقه‌ای و اکونومیک خود از حیث ذخایر ارضی، شاهراه‌های بازرگانی و تأثیر آن در رشد اقتصادی جوامع خود را بدانند و با بهره‌مندی از تجربیات تاریخی، دوست و دشمن واقعی خود را بشناسند. دوم این که برای رسیدن به رشد اقتصادی پایا باید بدور از هر گونه تعصب به دنبال اتحاد سیاسی، مذهبی و عرفانی در عرصه اقتصادی باشند. ضرورت اجرای تعاملات در این است که موجب تقویت بنیه اقتصادی، اقتدار سیاسی می‌گردد.

عوامل پیشرفت اقتصادی شیعیان

هدایا

تقدیم هدایا، یکی از شیوه های ابراز دوستی و مودت و نزدیکی مردم به امامان بود. اموالی که مردم از نقاط مختلف جهان برای آنان ارسال می کردند، گاه مبالغ بسیار زیادی را شامل می شد که به آن هدایای مردمی می گفتند و شامل هدایای منقول و غیرمنقول می شد. امامان هدایا را می پذیرفتند. هم چنین صله هایی که برای ائمه (علیهم السلام) می فرستادند، عموماً شامل هدایا، وصیت ها و نذرهای می شد. ائمه (علیهم السلام) عموماً این اموال را می پذیرفتند و از آن جا که پذیرفتن آن ها از نظر حکومت ها نیز بلامانع بود، در پذیرش آن ها با مشکلی روبه رو نمی شدند. این اموال، به ویژه در دوران امامان پیش از امام جواد (ع) که گرفتن خمس هنوز عمومیت نداشت، دارای اهمیت فراوانی بود. هدایای مردمی در زمان همه ائمه وجود داشته و تنها نوع و میزان آن متفاوت بوده است. البته این خود نیز می تواند نشان دهنده میزان این هدایا در دوره هر امامی باشد. گاهی خود مردم به خدمت آنان می آمدند و هدایای خود را تقدیم می کردند؛ گاهی از طریق کارگزاران و وکلا و دیگر افراد می فرستادند؛ گاهی اموالی بود که پس از درگذشت شیعیان طبق وصیت نامه آن ها به امام می رسید. امامان بخش عمده ای از هدایا را برای کمک به مستمندان استفاده می کردند.

خلفا و دستگاه حکومت، علاوه بر مقرری هایی که به ائمه می پرداختند، صله ها و هدایایی هم به ایشان می دادند. ائمه نیز این هدایا را می پذیرفتند و با آن ها مشکلات مالی خود و شیعیان را حل می کردند. «مأمون در ازدواج دخترش با امام، دو میلیون درهم به ایشان بخشید. (یعقوبی، ۴۵۴) با این حال، به سبب سکونت امام جواد (ع) در مقر حکومت، باید این احتمال را قوی دانست که مقرری هایی از سوی حکومت به ایشان تعلق می گرفت، به ویژه این که ایشان در این دوران فعالیت اقتصادی نداشتند.

باید خاطر نشان کرد مردمی که به سبب ایمان قلبی به خدا و اعتقاد راستین به حکومت اسلامی در دوران امامان معصوم دست به اعطای هدایا می زدند و به رفع مشکلات مالی و اقتصادی حکومت اسلامی کمک می کردند خود نشان از وارستگی ایشان از ثروت های دنیوی دارد و همین ایمان و اعتقاد به خدا و امامانش خود نشان از عرفان الهی در بین مردم دارد.

از دیگر مواردی که باعث شکوفایی اقتصادی در قرن سوم هجری در عراق و در زمان امام جواد (ع) شد، منش و رفتار شایسته ی امام جواد(ع) در برخورد با خلفای آن زمان بود. مدیریت صحیح در برخورد با آنان و حفظ ظاهر، علاوه بر اینکه سبب پیدایش منزلت اجتماعی برای ان حضرت شد از نظر روابط مالی با خلفا نیز در مرکز توجه بود. چنانکه از برخی روایات به دست آمده است که امام جواد هدایایی را از مأمون پذیرفته اند و همگی را در راه کمک به اقتصاد حکومت اسلامی و کمک به

سادات و مستنمندان مصرف کرده اند. از جمله روایات به این شرح است: مامون به یاسر گفت: پیش ابن الرضا برو، سلام مرا به او برسان و بیست هزار دینار همراه با اسب مخصوصی که دیشب سوار بودم برای او ببر. یا سر می گوید: فرمان خلیفه را اجرا کردم و خود نیز با هدایا خدمت حضرت رسیدم و سلام کردم و سلام خلیفه را رساندم و اموال را پیش حضرت گذاشتم و اسب مخصوص را هم عرضه داشتم. حضرت کمی به آنها نگاه کردند و سپس لبخندی زدند. (صرامی، دو فصلنامه علمی، ترویجی سخن تاریخ، شماره ۲۲، ۱۳۹۴، صص ۹۵-۱۰۸)

موقوفات

امام جواد (ع) در دوران امامت خود، شیعیان را به سخاوت و بخشش در اموال خود رهنمود می- کردند خود امام از نظر جود و سخاوت در مرتبه ای قرار داشتند که به جوادالائمه معروف شدند. به این دلیل که توصیه ها و سفارشات به امر بخشش و سخاوت به شیعیان دارند. (ذهبی، ج ۸: ۱۵۸) شیعیان نیز با انگیزه های معنوی و عرفانی به وقف می پرداختند. (عطارد، ۱۳۴۶: ۱۹۲) امام جواد (ع) درباره وقف نیز به عنوان یک وسیله برای گردش ثروت در بین افراد جامعه و شیعیان توجه داشتند و به عنوان یک منبع درآمد برای اداره تشکیلات اسلامی نیز محسوب می گردید. (کلینی، ۱۳۸۱: ۳۶) حال می توان گفت که از منابع مالی امامان معصوم و از آن جمله امام جواد (ع) موقوفاتی بود که پیامبر اکرم (ص) برای استفاده امامان در راه پیشبرد اهداف اسلامی وقف کرده بودند و دیگران حق تصرف در آن را نداشتند. بیشتر آن موقوفات باغ ها و زمین های زراعتی در اختیار افرادی بود که توسط امامان بر آن گمارده شده بودند. امامان درآمدی را که از این زمین های مزروعی و باغ ها به دست می آوردند، در جهت منافع و رفع مشکلات شیعیان و سادات مصرف کردند. (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۶۰)

در اینجا لازم است تا در جهت توزیع منابع مالی توسط امام جواد (ع) به روایتی در این خصوص اشاره کرد. در روایتی آمده که در همان دوران کودکی امام، عده زیادی از مردم در مقابل منزل ایشان تجمع می کردند تا از ایشان حاجت بطلبند و امام جواد (ع) از آنان دست گیری نمایند. این باعث شد تا خدمت کاران امام، تصمیم بگیرند که ایشان را از درب دیگری داخل و خارج کنند تا مردم برای امام جواد (ع) مزاحمت ایجاد نکنند. وقتی این خبر به امام رضا (ع) رسید طی نامه به حضرت جواد (ع) فرمودند:

به حقی که به عنوان پدر برگردن تو دارم، از تو می خواهم تا از همان درب اصلی رفت و آمد کنی و همراه خود زر و سیم داشته باش تا به نیازمندان عطا کنی و تا می توانی به فقیران کمک کن و از آنان دست گیری نما و سعی کن آشنایی را که می شناسی و در درجه اول خویشاوندان را از حاجتی که دارند، بی نیاز سازی و آن ها بیش تر از بخشش تو بهره مند شوند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۲)

امام جواد(ع) در دوران امامت خویش، هر چند که حکومتی را تشکیل ندادند، اما در برنامه خود توزیع عادلانه درآمدهای عمومی در میان جامعه به ویژه فقیران را سر لوحه برنامه‌های خویش قرار دادند و حتی به یاران خویش که در دستگاه حکومت وقت فعالیت می‌کردند، توصیه می‌نمودند که بر عمران، آبادانی، رشد تولید و کسب و تجارت عمومی مردم توجه نمایند و از فرصتی که به آنان داده شده، در راه خدمت رسانی به جامعه از هر طریقی بهره گیرند. (ابن شهر آشوب، ج ۴: ۴۳۵)

ایجاد شبکه‌های وکالت

میزان سخت‌گیری‌ها و فشارهای اقتصادی در هر دوره‌ای متفاوت است و عده‌ای در اوج نعمت و رفاه به سر می‌برند و گروهی نیز در فقر زندگی می‌کردند. در چنین شرایطی است که تقویت بنیه اقتصادی شیعه و اصلاح و رفع این نابرابری‌ها و ظلم‌ها توسط امامان در آن دوران رفع می‌شد و جلوه اقتصادی در چنین شرایطی با برنامه‌های اقتصادی بر علیه سیاست‌های خلفای عباسی از طرف امامان و هم چنین در دوران امام جواد(ع)، قابل مشاهده است. هر گروهی که هدفی را دارد برای رسیدن به هدف خود، نیازمند امنیت و رفاه مالی است و چه بسا در صورت نبودن عواید مالی، هرگونه فعالیت از بین برود و به نتیجه نرسد. به همین خاطر شیعیان نیز، برای ادامه و تعقیب اهداف و رفع نیازهای خود، احتیاج به تکاپوهای اقتصادی و پشتوانه‌های مالی داشتند. از این رو شبکه اطلاع رسانی و وکالت، نقش مهمی در این زمینه داشت و امام جواد(ع) نیز در دوران امامت خود از این مسئله بهره جستند به گونه‌ای که امام جواد(ع) عده‌ای را برای اخذ وجوهات شرعی مانند زکات، خمس، صدقات، موقوفات، نذورات، هدایای مالی برای شیعیان که به دلیل انگیزه‌های عرفانی به این مهم می‌پرداختند، به عنوان وکیل از طرف خود برای جمع آوری اموال به شهرهای مختلف می‌فرستادند تا اموال را تحویل بگیرند. (بغدادی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۲۸۶) این وکلا با وجود کنترل و سختگیری‌های حکومت عباسی در بعد اقتصادی برای شیعیان بسیار اهمیت داشتند. بنابراین نقش شبکه وکالت در تکاپوهای اقتصادی بسیار زیاد بود و وجوهات شرعی جمع آوری شده در زمان امام جواد(ع) نقش حمایت مالی و پشتیبانی را برای شیعیان امضا می‌نمود و امام جواد(ع) از این طریق به شیعیان نیازمند و همچنین پیشبرد اهداف اسلامی کمک می‌کردند. یاران و وکلا و پیروان امام جواد(ع)، کمک‌های مالی را برای امام می‌فرستادند تا ایشان، اموال را در جهت حرکت سیاسی و فکری هزینه کند (کشی، ۵۵۰)

امام جواد(ع) در رأس یک تشکل منظم عقیدتی بودند که با دقت فراوان و به شکل سری و مخفی در تمام بلاد اسلامی، فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره را داشتند. عبارات و نامه‌های رد و بدل شده بین امام و وکلا و یاران ایشان به خوبی گواه این حقیقت است که نامه‌ها به صورت رمزی و کاملاً به دلیل وجود جاسوسان خلفای عباسی محتاطانه نوشته می‌شد که به حضرت برای پرداخت وجوه شرعی خود نوشته شده است: عبدالعزیز یکی از یاران امام رضا(ع) می‌فرماید: به امام جواد

نوشتیم: « بین ما و شما امری است، مرا راهنمایی کنید که با آن چه کنم؟ » امام جواد (ع) در پاسخ نوشتند: « آن چه را که در نامه ات بود را دریافتیم و امیدوارم که خداوند گناه همه را ببخشد. ما و شما را قرین رحمت سازد. با رضایت من از شما، خداوند نیز راضی و خشنود خواهد شد». در بررسی و تحلیل این نامه مشخص می‌شود که منظور عبدالعزیز در مورد پرداخت وجوه شرعی وی است که امام جواد (ع) در جواب وی می‌فرماید نامه‌ام را به نزد او ببرید و به او دستور دهید تا پول را به نزد من بفرسند که در نامه آمده است. (کشی، ۵۰۶) سپس در نامه دیگری نیز آمده است احمد بن محمد عیسی قمی نقل می‌کند که امام جواد (ع) خطاب به من فرمودند: « ای اباعلی، عجله سزاوار ابی‌یحیی نیست او از منزلت خاصی نزد من و پدرم برخوردار است، اما من به پولی که در نزد او است، نیاز پیدا کردم. من گفتم: او پول را برای شما خواهد فرستاد. زیرا به من گفته بود هنگامی که به نزد امام می‌روی به ایشان بگو که علت نفرستادن پول، مسئله‌ای مبارک و میمون است ». سپس امام جواد (ع) فرمودند: « نامه من را به نزد وی ببر و به او بگو تا پول را بفرستد ». نامه امام را به نزد او بردم وی پول را به برای امام جواد فرستاد (همان، ۵۹۶) حال در تحلیل این نامه باید گفت که امام جواد (ع) به احمد بن محمد عیسی قمی می‌فرماید که به ابی‌یحیی فرمان بده تا وجوه خود را بفرستد. این تدابیر امام جواد (ع) جهت جلوگیری و کاهش آزار و شکنجه حکومت عباسی بر علیه شیعیان بود. چرا که تمام تحرکات و رفتار آن‌ها زیر نظر بود و کوچک‌ترین حرکت ایشان، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت و هرگز این فشارهای عباسیان در پیشبرد اهداف اقتصادی شیعیان تاثیر نگذاشت. (بغدادی، ۲۸۶/۲) شیعیان در این زمینه بسیار در تکاپوهای اقتصادی نقش داشتند و با در دست داشتن وجوهات خمس و زکات خود با انگیزه‌ها و علایق الهی خود در خدمت و یاری رساندن به شیعیان کمک می‌کردند. (داودی مالکی، ۲۰۰۸: ۱۵۱) به طور مثال می‌توان از احمد بن محمد بن عیسی نام برد که با پرداخت وجوهات خود به امام جواد (ع)، به اسلام کمک می‌کرد و امام جواد (ع) از وی قدردانی کردند. (بغدادی، ۲۸۶/۲)

وجوهات شرعی

اسلام اهمیت وجود مال و ثروت را مایه استواری جامعه و نظام می‌داند و گروهی که فاقد مال هستند را از آن جهت فقیر می‌داند که استقلال خود را از دست می‌دهند. به همین جهت در قرآن نیز به مال اهمیت داده شده است و آن را پایه قوام و استقامت انسان‌ها می‌داند. (سوره نساء، آیه ۵) البته هر چند که دارایی و ثروت در تامین زندگی و رشد افراد مهم است ولی اگر تنها هدف او باشد، مایه دوری وی از کمال می‌گردد. امام جواد (ع) مال و ثروت را در حدی قبول داشتند که بتوانند به وسیله آن، گرهی را از مشکلات زندگی دیگران باز کنند یا ذخیره‌ای برای آخرت فراهم آورند. به همین جهت بخشش و احسان در راه خدا، یکی از ویژگی‌های اصلی امام جواد (ع) است و شیعیان را نیز به

این امر الهی و عرفانی دعوت می‌کردند. آن حضرت در جلب رضایت و خشنودی پروردگار عالم، از صرف هر نوع امکانات مالی و رفاهی به نیازمندان واقعی کوتاهی نمی‌کردند. (حر عاملی، ۱۴۱۰: ۵۶۸)

خمس به عنوان یک امر واجب در اقتصاد اسلامی بیان شده است. قسمت عمده درآمد اسلامی از وجوه شرعی که شیعیان تحت عنوان خمس به امام جواد (ع) می‌پرداختند، تامین می‌گردید که یکی از پشتوانه‌های مهم مالی برای اداره شیعه بود. این وجوه به طور مستقیم یا توسط نمایندگان امام جواد در اختیار ایشان قرار می‌گرفت. البته با روی کار آمدن خلفای عباسی از قرن دوم هجری میزان دریافت مالیات و فشار سنگین آن‌ها بر شیعیان افزایش یافت. امام جواد نیز مانند پدر بزرگوارشان امام رضا (ع) در جریان این امر بر علیه شیعیان بودند. همچنان که نقل شده است: علی بن مهزیار، نماینده امام جواد (ع) می‌گوید: در سال ۲۲۰ هجری زمان خلافت معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ هـ) وی از نظر اقتصادی فشار زیادی را بر شیعیان وارد آورد و حکومت اموال بسیاری را از آنان به عنوان مالیات مصادره کرد سپس علی بن مهزیار می‌گوید در آن سال نامه‌ای را به امام جواد (ع) نوشتم و این مشکلات را عنوان کردم. امام (ع) فرمودند: «چون معتصم عباسی به شما ستم کرده است و شیعیان تحت فشار زیادی قرار دارند، امسال من خمس را فقط در طلا و نقره‌ای که سال بر آن گذشته است، واجب کردم. دیگر وسایل زندگی مانند: حیوانات، سود سالیانه، کالاها و باغ‌ها خمس و زکاتی ندارند. این مسئله از ناحیه من به شیعیان است تا فشار حکومت عباسی بر آن‌ها سخت نشود». (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۶۰) همچنین ابراهیم بن محمد همدانی برای امام جواد (ع) نوشت: علی بن مهزیار نامه پدرتان را برای ما خواند که در آن دستور داده شده بود صاحبان زمین و آب بعد از هزینه خود، یک دوازدهم درآمد خویش را به حضرت بپردازند (زکات)، اما کسانی که آب و ملک آن‌ها برای هزینه شان کفاف نمی‌دهد، چیزی بر آن‌ها واجب نیست، نه یک دوازدهم و نه غیر آن. افرادی که نزد ما هستند و در این زمینه اختلاف دارند، می‌گویند بر آب و زمین خمس درآمد لازم است، آن هم بعد از هزینه خود آب و زمین و خراج آن، نه هزینه خود انسان و همسر و فرزند او.

زکات نیز یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد عدالت اقتصادی در جامعه است. در دوران امام جواد (ع) شغل شیعیان بیشتر کشاورزی و دامداری بود. (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۲۰) شیعیان زکات اموال خود را به امام جواد (ع) می‌دادند تا ایشان در راه حفظ اسلام و اهداف آن خرج کنند. خداوند در قرآن نیز زکات را امری واجب دانسته تا بخشی از درآمدهای اساسی مردم در اختیار حکومت اسلامی قرار گیرد و در ایجاد امور اقتصادی به کار گرفته شود. (سوره بقره، آیه ۲۷۱)

امام جواد (ع)، شیعیان را به کار و تلاش و کسب روزی حلال تشویق می‌کردند و خودشان نیز علاوه بر کارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که انجام می‌دادند به تکاپوهای کشاورزی و رسیدگی به باغستان‌ها و نخلستان‌ها که از پدران خود به ارث برده بودند، مشغول می‌گشتند. (صفدی، ۲۰۱۰، ج ۴

شیعیان و دیگر طریقت‌ها چون عرفا نیز در دوران بعد یکدیگر را به پیروی و اجرای دستورات دینی دعوت می‌کردند و آن‌ها را سرلوحه کار خود قرار می‌دادند. از جمله عین القضاة همدانی، صوفی و عارف مشهور، در تمهیدات ارکان پنجگانه اسلام را این‌گونه شرح می‌دهد: «بنی الاسلام علی خمس؛ اسلام و ایمان را پنج دیوار است: رکن اول شهادت، رکن دوم نماز، رکن سوم زکات، رکن چهارم روزه و رکن پنجم حج است». (عین القضاة، ۱۳۴۱: ۶۴-۶۶)

عوامل بهره‌برداری تجاری شیعیان

در دوره خلافت عباسیان به دلیل فتوحات و رشد و گسترش شهرها دوره شکوفایی تجارت و بازرگانی بود (ابن خردادبه، ۱۹۸۸: ۱۵۳) بازرگانی از مشاغل پرسود و فایده آن دوران به حساب می‌آمد. بازرگانان شیعه نیز از روی انگیزه‌های الهی و عرفانی که در اسلام به امر تجارت سفارش شده بود به این امر می‌پرداختند. بازرگانان لوازم خانه و فرش بیشتر در بصره بودند که از راه تجارت دریایی به این شغل می‌پرداختند. آن‌ها از چین و هند گرفته تا سودان و آفریقا دائم در سیر و سفر و نقل و انتقال بودند. از هند الماس و یاقوت، از حبشه عاج و عقیق، از نیشابور عطر و فیروزه و از فارس پارچه‌های کتان می‌آوردند. انواع بافته‌ها و پارچه‌ها را از سرزمین ایران و اقسام پوست‌ها را از کشور روس و ماوراءالنهر می‌آوردند. به این صورت شیعیان صادرات و واردات انواع کالا را انجام می‌دادند. کشتی‌ها که از بنادر مجاور ثغرها می‌گذشتند عسری^۱ از بهای کالای خویش را به عمال خلیفه می‌دادند. این عشر از کشتی‌ها به دست می‌آمد. شیعیانی که از معادن بهره برمی‌داشتند، خمس بهره خویش را به بیت‌المال باید می‌دادند. بازرگانان نیز وقتی متاع خویش را به منطقه‌ای می‌بردند، مبلغی به عنوان «مکس»^۲ می‌پرداختند. این مکس را اگر بازرگان مسلمان بود، از هر چهل درهم یک درهم و اگر از اهل ذمه بود، از هر بیست درهم یکی را باید می‌داد. (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۰۷) بازرگانان از تجارت‌های خود ثروت هنگفتی را به دست می‌آوردند. یک آسیابان در بصره به نام احمد بن عمار در عهد خلیفه معتصم از بصره به بغداد آمد و مشغول تجارت گردید و چندان ثروت اندوخته بود که در هر روز حدوداً صد دینار از مال خود را صدقه می‌داد، اگر در این صورت مبلغ صدقه را ده به یک حساب کنیم، درآمد وی حدوداً روزی هزار دینار می‌تواند باشد. (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۴۵۱) تاجری به نام شریف عمر از تجار بصره تقریباً سالی دومیلیون و نیم درهم استفاده می‌برد و ثروت یکی از صاحبان کشتی در بصره حدوداً به بیست میلیون دینار می‌رسید. (زیدان، ۹۰۵)

۱- ده یک اموال خود را می‌دادند.

۲- مکس: نوعی مالیات نامرسوم بر تجارت بود که بر بازرگانان تعلق می‌گرفت (ابن فقیه، مختصر البلدان، ص ۱۰۷).

عراق به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی که دارا بود، از نظر تجاری وضعیت خوبی را برای ساکنان خود فراهم کرده بود. موقعیت بغداد در کناره غربی رود دجله در مکان بلندی که رودهای دجله و فرات به هم می‌پیوست، ممتاز بود.^۱ (اصطخری، ۱۳۶۸: ۸۵) زیرا که نقطه اتصال منطقه شام و ایران بود و به عنوان یک مرکز تجاری با اهمیتی بود و در مسیر راه‌های خشکی و دریایی واقع بود که به بقیه کشورها و بخش‌های حکومت عباسیان ارتباط داشت، به گونه‌ای که کالاهای تجاری و خواربار از شام، جزیره (بین النهرین علیا)، مصر، هند، بصره، واسط، ارمنستان، آذربایجان و غیره از طریق دجله و فرات و انشعابات آن جا به جا می‌گردید و تجار و بازرگانان از این طریق به تجارت می‌پرداختند.^۲ (خطیب بغدادی، ج ۱: ۷۲) بازرگانان شیعه علاوه بر تجارت کالا، در امر خرید و فروش برده نیز تکاپو داشتند. آن‌ها تمام شهرها مخصوصاً شهرهایی که بر سر راه ابریشم قرار داشت را می‌پیمودند و در بازارهای ایران، عراق و هند در نواحی خلیج فارس، فرات، انطاکیه و غیره رفت و آمد می‌کردند و به امر تجارت مشغول بودند و مالیات می‌پرداختند و این امر در اقتصاد بسیار نقش داشت. (امین، ج ۲: ۲۴۲)

در دوران مأمون (۱۹۸-۲۱۸هـ) به علت برقراری نسبی امنیت و پرداختن وی به امور فرهنگی تا حدودی وضعیت اقتصادی در اغلب نقاط خوب بود. (ابن طباطبای، ۱۳۵۰: ۲۹۷) مثلاً تجار شیعه شهر سیراف، استخر و غیره نیز وضعیت خوبی را داشتند. زیرا که یکی از تاجران که وصیت کرده بود ثلث دارایی او را به نیازمند بدهند، این مبلغ به حدود یک میلیون دینار می‌رسید. در شهر استخر خاندان متولی بودند که آنان را آل‌حنظله می‌گفتند و تمول آن‌ها به اندازه‌ای بود که سالی ده میلیون درهم مالیات می‌دادند، یکی از افراد این خاندان به نام عمرو بن عینیه یک میلیون درهم به بهای چند مصحف داده و آن را در شهرهای اسلام پخش کرد. (زیدان، ج ۲: ۲۱۴) دو تن دیگر به نام مرداس بن عمرو و محمد بن واصل هرکدام سالی سه میلیون درهم مالیات می‌دادند که تمام این ثروت آن‌ها از تجارت از طریق دریا و خرید و فروش عود، عنبر، خیزران، کافور، عاج، آبنوس، فلفل و غیره به دست آمده بود. (همان)

اسلام راه را برای مشارکت همه نژادها از هر قوم و ملت در بازرگانی باز گذاشته است. در میان این گروه‌ها مردم بصره مهارت خاصی در تجارت داشتند و به این لحاظ از سایر مردم متمایز بودند. (ابن فقیه همدانی، ۱۳۰۲: ۵۱) مهم‌ترین رقبای تجاری مردم عراق، یهودیان بودند. شهرک یهودیه در حومه اصفهان، مرکز تجاری این شهر به حساب می‌آمد. رومیان و هندیان هم از فعال‌ترین بازرگانان در قلمرو اسلامی بودند. (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۳۸) در ساجلماسه در جنوب مراکش تاجر عراقی زیاد بودند، از جمله تاجران بصری، کوفی و بغدادی و غیره بودند که بازار آن‌ها رونق داشت و مبالغ نسبتاً هنگفتی

۱- همدانی، احمد بن محمد بن اسحق، اخبار البلدان، شماره نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس ۵۲۲۹.

۲- رک: حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده: تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۱، ص ۱۵۶؛ مهدی، سیدحیدر، العراق، شماره نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس ۲۲۱۷۶.

سود و فایده از کاروان‌های تجاری عاید آن‌ها می‌گردید. مصر سرزمین تجارت بود، اما در آن‌جا تاجران مصری غیر بومی از عراق بودند. (ابن حوقل، ۱۹۷۹: ۶۵)

در اثر گسترش تکاپوهای بازرگانی، تجار مسلمان در اکثر نقاط عالم به وجود آمدند که بزرگ‌ترین گروه شیعیان در شهر طرابوزان روم زندگی می‌کردند (ابن خردادبه، ۶۵-۶۶) پس از گسترش اسلام، شهرهای اسلامی حدوداً رو به توسعه نهاد. بازار عامل مهم در طرح‌ریزی هر شهر اسلامی گردید و پیشه‌وران در بازارهای خاص خود گرد می‌آمدند: در بصره، قصابان بازار مخصوص خود داشتند، که به نام «رحبه‌القصابین» (میدان قصاب‌ها) معروف بود. در آن‌جا آسیابانان هم در یک بازار جمع شده بودند و دباغان نیز بازاری خاص خود داشتند. در کوفه، خالدقصری (۱۰۵-۱۲۰هـ) بازارها را براساس تخصصی مرتب کرد. خرمافروشان و ماهی‌فروش‌ها، هرکدام بازاری مخصوص خود داشتند. بازاری نیز برای فروش شتر وجود داشت. همچنین هنگامی که حجاج واسط را ساخت. در سال ۸۵هـ به تنظیم بازارها توجه داشت. به این صورت که فروشندگان خوراک، بزازها، عطارها را در سمت راست بازار و بقال‌ها، سبزی‌فروش‌ها، میوه‌فروش‌ها را در سمت قبله بازار و صنعت‌گران و خرازها را در سمت چپ بازار به طرف دجله قرار داد. علاوه بر این عنوان می‌کند که در جامعه اسلامی از صدر اسلام نیز در این زمینه برای زنان سهم قائل شد به نحوی که زنانی را مشاهده می‌کنیم که به برخی از حرفه‌ها و مشاغل اشتغال داشتند. زنان به عنوان آشپز، آسیاگر، پشم‌رسی و غیره مشغول بودند (الشیخلی، ۵۶-۵۷). حال می‌توان گفت که از این رو عراق حرکت و مسیر بازرگانی را به سوی خود جلب کرد و به یک محور تجاری درآمد، که از آن جمله شهرهایی مانند بصره، کوفه، واسط و بغداد است که مسیر بازرگانی را تغییر داد و تجارتخانه‌های جدیدی به وجود آورد. زمانی که با شرایط جدید هماهنگی ایجاد شد، در سایه یکپارچگی اسلامی حاکم بر جهان و جایگزینی وحدت اسلامی، امنیت و آرامش در بازارهای تجاری برقرار شد که باعث پیشرفت تجارت گردید. (کاهن، ۱۹۷۷: ۱۴۷) در واقع نیازهای فراوان جامعه از لحاظ مادی باعث پیشرفت تجار گردید و بازرگانی ممالک اسلامی در جهان مقام خوبی را به دست آورد (متز، ۱۳۷۷: ۵۰۷-۵۰۸) بنابراین تکاپوهای بازارهای تجاری موجب انحصار و استمرار بهره‌برداری اقتصادی گردید.

نتیجه گیری

به طور خلاصه باید بیان داشت براساس بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در اوایل قرن سوم هجری که برابری می‌کرد با دوران امامت امام جواد(ع)، سبک و شیوه ایشان با وجود عدم تشکیل حکومت و دسترسی نداشتن به مناصب و پست‌های دولتی تکاپوهای اقتصادی برای تامین مصالح و تدبیر امور اجتماعی و اهداف نظام اسلامی انجام می‌گرفت. دین اسلام تمامی جنبه‌های زندگی انسان را مورد توجه قرار می‌دهد و برای بهتر شدن زندگی افراد، دستورات جامعی را ارائه داده است. از جمله چیزهایی که برای پیشرفت بشر و رسیدن به اهداف او مطرح شده، بحث تکاپوهای اقتصادی است که برای روند و پیشبرد آن مباحثی چون خمس، زکات، وقف و صدقه را مطرح کرده است و امامان معصوم از جمله امام جواد(ع) سعی در آموختن آن به شیعیان و اجرای هر چه بهتر این دستورات را داشته‌اند. در زمان امامت امام جواد(ع) براساس مقایسه شرایط وقت حکومت عباسی و وجود دو خلیفه مأمون (۲۱۸ - ۱۹۳ هـ) و معتصم عباسی (۲۲۷ - ۲۱۸ هـ) توانایی اقتصادی و تکاپوهای شیعیان در هر دوره‌ای متفاوت بوده که با سیاست امام جواد(ع) در جمع‌آوری خمس و یا محدود کردن آن مشخص گردید. همچنین در این دوران واقفان نیز با انگیزه‌های الهی و عرفانی که داشتند و بی‌توجهی به مسائل دنیوی و کنار گذاشتن هواهای نفسانی، پرهیزگاری، عدم کامجویی از بهره‌های دنیوی، لذت‌های آن و توجه به معنای هستی و ارتقاء درجات روحانی به وقف می‌پرداختند که در امر اقتصادی تأثیرگذار بود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵.
۳. ابن جبیر، محمد بن احمد، *سفرنامه*، مترجم: پرویز اتابکی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۴. ابن رسته، احمد بن عمر، *الأعلاق النفیسه*، ترجمه: حسین قره‌چانلو. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۵. ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشیدالدین، *المناقب*، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات علامه، بی تا.
۶. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن علی، *صوره الارض*، بیروت: منشورات دارمکتبه الحیاه، ۱۹۷۹، ص ۶۵.
۷. ابن خردادبه، ابی القاسم، *المسالک و الممالک*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۸.
۸. ابن طباطبا، تاریخ فخری، ترجمه: محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
۹. ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق، *مختصر کتاب البلدان*، لیدن: مطبعه بریل، ۱۳۰۲.
۱۰. -----، *مختصر البلدان*، ترجمه: ح. مسعود، بی جا: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۱۱. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، *مسالک و ممالک*، به اهتمام: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۱۲. امین، احمد، *ظهر الاسلام*، بیروت: دارالکتاب العربی، بی تا.
۱۳. بغدادی، ابو عبدالله محمد معروف به شیخ مفید، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، تهران: انتشارات موسسه اعلمی مطبوعات، ۱۳۹۹.
۱۴. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمه: محمد تقی آیت‌اللهی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، چاپ دوم.
۱۵. *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش: منوچهر ستوده: تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۱.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۱۰.

۱۷. حموی، شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۸. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۹. داودی مالکی، ابی جعفر احمد بن نصر، کتاب الاموال، بیروت-لبنان: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۸.
۲۰. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، محقق عمر عبدالسلام تدمیری .
۲۱. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۲۲. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶.
۲۳. الشیخلی، صباح ابراهیم، اصناف در عصر عباسی، ترجمه: هادی عالمزاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
۲۴. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۰.
۲۵. صرامی، سیف الله، درآمدی بر تقسیم و تحلیل روایات سیاسی-اجتماعی امام جواد(ع)، دو فصلنامه علمی، ترویجی سخن تاریخ، شماره ۱۳۹۴، ۲۲.
۲۶. طبری، محمد بن حریر، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲.
۲۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۸. عطار، فریدالدین محمد، تذکره الاولیاء، تصحیح: محمد استعلامی، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۴۶.
۲۹. عین القضاة، تمهیدات، تصحیح عقیف عسیران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۳۰. قطب راوندی، سعید بن عبدالله، الخرائج و الجرائح، قم: موسسه الامام المهدي (ع)، بی تا.
۳۱. کاهن، کلود، تاریخ العرب و الشعوب الاسلامیه، بیروت: دارالحقیقه، ۱۹۷۷.
۳۲. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال کشی، چاپ حسن مصطفوی تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱.
۳۴. متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۵۰۷-۵۰۸.

۳۵. مقدسی، شمس‌الدین ابو عبدالله محمد، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، لیدن: مطبعه بریل، ۱۹۰۶.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، جلد ۵۰.
۳۷. نجاشی، احمد بن علی، *فهرست اسماء مصنفی الشیعہ المشتهر برجال النجاشی*، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۰۷.
۳۸. یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

نسخ خطی

۱. مهدی، سیدحیدر، *العراق*، شماره نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی ۲۲۱۷۶.
۲. همدانی، احمد بن محمد بن اسحق، *اخبار البلدان*، شماره نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس ۵۲۲۹.

Received: 2019-01-23

Accepted: 2019-07-07

Impact of Spirituality and Mysticism on Iraqi Shiites' Economy during the First Half of Third Century Hegira

Fatemeh Okhravi

PhD Student, History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University,

Mashhad Branch

Shahrbano Delbari*

Assistant Professor, History and Civilization of Islamic Nations Department, Islamic

Azad University, Mashhad Branch, corresponding author

Tahereh Azimzadeh

Associate Professor, Faculty Member, History and Civilization of Islamic Nations

Department, Islamic Azad University, Mashhad Branch

Abstract

The economic status of Shiites during the Islamic Imams, despite having farmlands at hand and the abundant water flow of Tigris and Euphrates for farming in Iraq, and taxes including Khums and Zakat and the like that Muslims used to pay is important for investigation. Also, donors gave endowments with spiritual, divine, and mystical motivations such as fighting with internal souls, taking stages of divinity, giving services to public exclusively for the sake of God that had an impact on the economy. The writer of the paper that used the analytic descriptive methodology has assessed the factors effective on the economy of Shiites in Iraq and has concluded that undoubtedly the establishment of divine government that meets the every goals of human beings is only possible through chaste imams because human based governments have always gone through the personal interests of a specific individual or group. Therefore, Islamic government is an important issue that Muslims are dealing with and that a portion of the pillars this type of government is founded on economic issues because the first requisite for the independence of an establishment is economic independence whereby it is applied well in the world of Shi'ism via zakat, khums, (Anfal) spoils of war, and (Kharaj) land taxes

Keywords:

Financial Strives, mysticism, economics, Iraq, Shiites

*tarikh_2003@yahoo.com